



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: ارث غرقى و مهدوم عليهم.

در مسئله غرقى و مهدوم عليهم یک بحثى وجود دارد که آیا حکم توارث فقط به غرق و هدم اختصاص دارد یا اینکه عمومیت دارد و در واقع غرق و هدم علت و سبب را ذکر می کند؟ در اینجا هرچند که غرق و هدم ذکر شده ولی خصوصیت ندارند بلکه عرف الغاء خصوصیت می کند از این جهت حکم در هر سببى ثابت می باشد، البته چند قول در مسئله بوجود آمده؛ اول اینکه حکم اختصاص به غرق و هدم دارد زیرا این موارد منصوص هستند و موارد دیگر را نمی توانیم قیاس کنیم چرا که مذهب ما از قیاس مبری و منزّه است والقائل به صاحب جواهر و عده ای دیگر، دوم اینکه غرق و هدم سبب مرگ است و این دو مورد ذکر شده اند منتهى از جهت سبب الغاء خصوصیت می شود یعنی به هر سببى مثل تصادف یا آتش سوزی مرده باشند نیز همین حکم را دارد و حتى بعضی مانند امام رضوان الله عليه و آیت الله خوئى فرمودند ملاک اشتباه در تقدم و تأخر مرگ دو نفرى می باشد که بینشان توارث وجود دارد ولو اینکه خود به خود مرده باشند پس حکم اعم می باشد و بنده نیز فکر کنم همینطور باشد یعنی ذکر غرق و هدم در واقع در مقام ذکر یک مصداق و نمونه می باشد منتهى صاحب جواهر اصرار دارد که این حکم فقط به غرق و هدم اختصاص دارد و اما قول سوم توقف می باشد.

مقداری از عبارت صاحب جواهر را می خوانیم تا مطلب روشن شود، ایشان در این رابطه اینطور فرموده: «والتعدية التي أشار إليها مع فرض عدم اندراجها في الموجود من النصوص إن حصل عليها إجماع أو غيره من الأدلة»

المعتبرة قلنا بها ، وإلا فلا حتى الغرق في الماء المضاف فضلا عنه في قير أو طين أو نפט أو بالوعة أو نحو ذلك وهدم جبل فضلا عن انكسار شجرة و وقوع بيت شعر و خيمة ونحوها... إلى آخر كلامه»^۱.

خب و اما اگر روایات را بخوانیم مطلب روشن می شود، صاحب وسائل اخبار مربوط به این مسئله را تحت عنوان ابواب میراث غرقى و مهدوم عليهم منعقد کرده که امروز مقداری از اخبار را می خوانیم، عنوان باب اول از ابواب میراث غرقى و مهدوم عليهم این است: «باب ۱ : أنه يرث كل واحد منهم من الآخر مع الاشتباه والقربة ونحوها وعدم وارث أقرب ثم ينتقل ميراث كل منهم إلى وارثه». خبر اول: «محمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد وعن محمد ابن يحيى، عن أحمد بن محمد جميعا، عن ابن محبوب، عن عبد الرحمن بن الحجاج قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن القوم يغرقون في السفينة أو يقع عليهم البيت فيموتون فلا يعلم أيهم مات قبل صاحبه قال: يورث بعضهم من بعض كذلك هو في كتاب علي عليه السلام.

ورواه الصدوق باسناده عن ابن محبوب مثله.^۲

کلینی از طبقه ۹، عن عدة من أصحابنا که از طبقه ۸ هستند و در آخر جلد ۲ جامع الرواة نام آنها ذکر شده، عن سهل بن زياد که از طبقه ۷ است و وثاقتش ثابت شده، و (کلینی) عن محمد بن يحيى ابو جعفر عطار قمى که از اساتید بزرگ کلینی است، عن احمد بن محمد بن عيسى از طبقه ۷، حالا دو نصفه سند با کلمه جميعا به هم پیوند می خورند، جميعا عن حسن بن محبوب که از طبقه ۶ و بسیار جلیل القدر است، عن عبد الرحمن بن حجاج که موثق می باشد البته اول مذهب کیسانیه داشته، کیسانیه

^۱ جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۳۱۰، ط ۴۳ جلدی.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۹، ابواب غرقى و مهدوم عليهم، باب ۱، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

کسانی بودند که بعد از امام حسین علیه السلام محمد بن حنفیه را امام می دانستند.

خبر دوم: ﴿محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد عن يوسف بن عقيل، عن عاصم بن حميد، عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قضى أمير المؤمنين عليه السلام في رجل وامرأة انهدم عليهما بيت فماتا ولا يدري أيهما مات قبل فقال: يرث كل واحد منهما زوجه كما فرض الله لورثتهما﴾.^۳

شیخ طوسی از طبقه ۱۲ باسناده عن حسین بن سعید از طبقه ۶ که شیخ این خبر را از کتاب حسین بن سعید گرفته و اسناد شیخ به او صحیح می باشد و در آخر تہذیب و همچنین در جامع الرواة طرق و اسناد شیخ ذکر شده، عن النضر بن سويد عن يوسف بن عقيل، عن عاصم بن حميد، عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر عليه السلام، خبر سنداً صحیح می باشد.

در این باب اول پنج خبر وجود دارد که بقیه نیز همین مضمون را دارند.

مقداری از اخبار باب سوم را می خوانیم، عنوان باب این است: «باب ۳ : أن الغرقى والمهدوم عليهم يرث كل منهم صاحبه من ماله الأصلي لا مما ورث منه».

خبر اول: ﴿محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس بن العلاء بن رزين، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام في رجل سقط عليه وعلى امرأته بيت قال: تورث المرأة من الرجل ويورث الرجل من المرأة معناه يورث بعضهم من بعض من

صلب أموالهم لا يورثون مما يورث بعضهم بعضاً شيئاً﴾.^۴

خبر دوم: ﴿وباسناده عن علي بن الحسن بن فضال، عن معاوية بن حكيم، عن الوليد بن عقبة الشيباني، عن حمزة الزيات، عن حمران بن أعين، عن ذكره عن أمير المؤمنين عليه السلام في قوم غرقوا جميعاً أهل البيت قال: يورث هؤلاء من هؤلاء وهؤلاء من هؤلاء، ولا يرث هؤلاء مما ورثوا من هؤلاء شيئاً ولا يورث هؤلاء مما ورثوا من هؤلاء شيئاً﴾.

أقول: وتقدم ما يدل على ذلك فيما لو كان لأحدهما مال دون الآخر﴾.^۵

با توجه به این روایات مطلب روشن شد.

خب واما یک مطلبی در خبر اول از باب پنجم از ابواب میراث غرقى و مهدوم عليهم ذکر شده که اگر هر کسی از آقایان در این رابطه مطلبی بنویسد و بیاورد یک جایزه طلبگی تقدیم خواهیم کرد، خبر این است: ﴿محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن جعفر بن محمد القمي، عن ابن القداح، عن جعفر، عن أبيه عليهما السلام قال: ماتت أم كلثوم بنت علي عليه السلام وابنها زيد بن عمر بن الخطاب في ساعة واحدة لا يدري أيهما هلك قبل فلم يورث أحدهما من الآخر وصلى عليهما جميعاً﴾^۶، حالا بنویسید چطور شده که حضرت امیر علیه السلام ام کلثوم را به تزویج عمر درآورده و آیا این امکان دارد یا نه؟.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۹۱، ابواب غرقى و مهدوم عليهم، باب ۳، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۹۲، ابواب غرقى و مهدوم عليهم، باب ۳، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

^۶ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۹۴، ابواب غرقى و مهدوم عليهم، باب ۵، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۹، ابواب غرقى و مهدوم عليهم، باب ۱، حدیث ۲، ط الإسلامیة.